

کتاب حدود

اسباب حد

کیفر شرعی گاهی:

الف-حدّ

ب-و گاهی تعزیر است

حدّ به واسطه انجام دادن گناهان معین واجب می شود و شارع مجازات را مشخص نموده است ، مانند زنا ؛ گاهی مجازات مخالفت با احکام شرعی را به حاکم شرع واگذار کرده است و به آن تعزیر گفته می شود ، مانند روزه خواری علنی.

1-حدّ زنا

الف-قتل:

اولین نوع حد زنا قتل است و برای موارد زیر به کار می رود:

1-زنا با یکی از محارم نسبی و در مورد محارم رضاعی میان فقها اختلاف نظر وجود دارد.

2-زنا با مرد کافر ذمی با زن مسلمان و مرد کافر کشته می شود.

3-زنا کردن با زن نامحرم که بر اثر اکراه و اجبار باشد.

4-کسی که سه بار زنا کرده باشد و سه بار هم شلاق بخورد در مرتبه چهارم کشته می شود.

ب-جلد(شلاق)

دومین نوع حدّ زنا ، شلاق است و در موارد زیر جاری می شود:

1-زن و مردی که متأهل نباشند و زنا کنند.

2-زن شوهر داری که با یک شخص نابالغ زنا کند.

ج-رجم(سنگسار)

سومین نوع حدّ زنا رجم است و در مورد شخص متأهلی که با یک شخص بالغ زنا می کند به کار می رود.

د-شلاق و رجم:

چهارمین نوع حدّ زنا شلاق و رجم با هم است ، این حدّ در حق مرد یا زن مسنی است که همسر داشته باشند.

ه-شلاق و کوتاه کردن موی سر و تبعید از شهر به مدت یک سال:

این حد پنجمین نوع حد زنا می باشد و برای مرد زناکاری است که عقد کرده ؛ اما با همسر خود رابطه برقرار نکرده باشد.

-احسان :

الف-در مرد:آزاد بودن،زوجه دائمی داشته باشد،با او نزدیکی کرده باشد، هر زمان که اراده کند ، امکان نزدیکی با همسرش را داشته باشد و به دلیل زندانی بودن یا غائب بودن و امثال آن ممتنع از نزدیکی نباشد.

ب- در زن:آزاد بودن ، زوج دائم داشتن ،و با وی نزدیکی کرده باشد.

-شرایط حد خورنده:

بالغ، عاقل،مختارباشد و علم به موضوع و حکم نیز داشته باشد.

-امور ثابت کننده حدّ زنا:

الف-خود شخص چهار بار اقرار کند.

ب-بر زناى او بينه اقامه شود.

1-چهار مرد عادل

2-یا سه مرد با دو زن عادل

3-یا به دو مرد و چهار زن عادل ،البته در مورد آخری ، رجم ثابت نمی شود.

شرایط شهود:

الف-شهادت شهود از روی حس و دیدن باشد.

ب- محتوای شهادت آنان ، از نظر زمان و مکان یکی باشد.

ج- شهادت شهود در یک زمان باشد، اگر برخی زودتر و برخی دیرتر شهادت دهند، خودشان حد می خورند.

شرایط اجرای رجم:

الف- برای مرد: تا کمر در خاک دفن می شود و برای زن: تا سینه در خاک دفن می شود.

ب- اگر زنا به وسیله اقرار ثابت شده باشد، اولین شخصی که رجم را انجام می دهد امام است و اگر به وسیله بینه ثابت شده باشد، شهود رجم را آغاز می کنند.

ج- واجب است حضور گروهی برای اجرای رجم.

د- سزاوار است که سنگ ها کوچک باشد.

ه- به رجم شونده امر می شود که غسل میت کند و کفن شود و حنوط کند، سپس رجم می شود تا بمیرد و پس از آن بر او نماز میت خوانده می شود و در قبرستان مسلمین دفن می شود.

مستندات

1- کیفر شرعی گاهی حدّ است و گاهی تعزیر:

مطلب روشنی است ؛ زیرا شارع گاهی کیفر را مشخص کرده و گاهی مشخص نکرده ، بلکه به حاکم شرع واگذار کرده است ، به صورت اول حدّ و به صورت دوم تعزیر گفته می شود.

2- زنا موجب حد است:

الف- از ضروریات دین است.

ب- تصریح کتاب : نور/2

3- زنا به واسطه وطی محقق می شود:

الف- این حکم بین اصحاب معروف و مشخص است.

ب- صحیحہ زرارہ از امام صادق «علیہ السلام» و صحیحہ محمد بن مسلم و صحیحہ محمد بن اسماعیل بن بزیر.

حدّ زنا

5-ثبوت قتل کسی که با محارم نسبی خود زنا کند:

الف-اجماع

ب-صحیحہ ابی ایوب و صحیحہ جمیل بن دراج.گاهی به دلالت این دو صحیحہ اشکال می شود که با زدن شمشیر لازم نیست که منجر به قتل شود بلکه با زدن شمشیر ، به هر مقداری که فرو رود و اثر کند کفایت می کند.

جواب:

عرفاً جمله «تضرب عنقه» کنایه از قتل است و مراد امام «علیہ السلام» دلالت مطابقی (زدن) نیست و از جمله «اخذت منه ما اخذت» این نیست که قتل محقق نشود؛ بلکه مراد این است که در زدن ضربه با شمشیر احتیاط نکنید و به هر مقداری که می شود ضربه را محکم بزنید.

اگر اشکال شود که موثقه ابو بصیر از امام صادق «علیہ السلام»: اگر کسی با محارم خود زنا کند حدّ می خورد اگر چه گناه زنا با محارم بزرگ تر است» که زنا با محارم هیچ خصوصیتی ندارد و مانند سایر زنا ها می باشد.

جواب:

مضمون این روایت نزد اصحاب مهجور بوده و نمی تواند معارض سایر روایات قرار گیرد.

6-اختلاف بین فقها در شمول حکم مذکور نسبت به محارم نسبی مانند مادر زن یا دختر رضاعی:

منشأ اختلاف :

الف-ادعای اطلاق نصوص و ادله است.در نتیجه حکم عام است و شامل سبب و رضاعی نیز می شود.

ب- ادعای اجماع:در نتیجه حکم فقط شامل محرمات نسبی می شود.

ج- ادله از زناى با محارم سببى و رضاعى منصرف و دور هستند لذا قتل فقط شامل نسبى مى شود.

7- در زناى كافر ذمى با زن مسلمان:

الف- نزد اصحاب معروف است.

ب- اگر اجماع نبود اطلاق ادله ، حكم را به كافر غير ذمى نيز تعميم مى داد.

8- حد قتل در حق كسى كه با اكراه و اجبار با زن زنا كند:

الف- اجماع.

ب- صحيحه برید عجلی .

9- اگر زنا برای بار چهارم انجام شود حد قتل ثابت است ، البته حدود قبلى باید جارى شده باشد:

الف- شهرت نزد اصحاب.

ب- موثقه ابى بصير از امام صادق «عليه السلام»

برخی از اصحاب گفته اند كه در مرتبه سوم كشته مى شود همانند كسانى كه گناه كبيره انجام مى دهند و استناد مى كنند به صحيحه يونس بن عبد الرحمان ، اما اين روايت مطلق است وبه وسيله موثقه ابى بصير تقيد مى شود.

10- حد شلاق در حق زناكارى كه محصن نيست ثابت است:

الف- اجماع.

ب- نص كتاب.

ج- روايات

11- اگر زن با شخص نا بالغ زنا كند شلاق مى خورد و رجم نمى شود:

به دليل صحيحه ابى بصير از امام صادق «عليه السلام»

12- اگر زن و مرد زناكار محصن باشند رجم مى شوند:

الف-به دلیل روایات زیاد ، اختلافی بین اصحاب نیست.

البته این حکم شامل زن و مرد سالخورده نمی شود ، بلکه برای این دو شلاق و رجم با هم است.

-باید هر دو بالغ باشند و اگر مرد با زن مجنون و یا دختر نابالغ زنا کند رجم نمی شود ؛ بلکه فقط شلاق می خورد.

احسان

16-زن ،محصنه نمی شود مگر این که آزاد باشد:

الف- اجماعی است.

ب-صحیح محمد بن قیس که دلالت می کرد بر این که لفظ «العبد» جمع دارای «ال» افاده عموم می کند و شامل برده ازدواج کرده و ازدواج نکرده می شود . از طرفی اختصاص به مرد ندارد و شامل زن نیز می شود.

در رابطه با این که زن باید دارای همسر باشد و این که شرط است که زوج با زن نزدیکی کرده باشد و دیگر این که زن باید همسر دائم داشته باشد ، مستند روایی دارد . در مورد شرط اخیر اجماع نیز وجود دارد و قول امام «علیه السلام» در « انما هو...» دلالت می کند که احسان محقق نمی شود مگر در ازدواج دائم ، بدون این که بین احسان مرد و احسان زن تفاوتی وجود داشته باشد.

شرایط ثبوت حد زنا:

17- بلوغ و عقل در تحقق حدّ زنا شرط است:

الف- اجماعی است.

ب-تمام تکالیف مبتنی بر بلوغ و عقل است.

ج-ازفاقد بلوغ و عقل تکلیف رفع شده است.

گاهی گفته می شود که به دلیل نصوصی که در این باره نقل شده ، نابالغ باید از جهت تعزیر به هر میزانی که حاکم شرع مصلحت بداند تأدیب می شود. مانند روایت برید کناسی.

در شرط مختار بودن نیز اتفاق نظر وجود دارد و می توان به حدیث رفع رجوع کرد.

راه های اثبات زنا:

21- در باب شهادت شرط است که شهادت از روی حس و دیدن صورت گرفته باشد:

الف- اجماعی است.

ب- صحیحه حلبی از امام صادق «علیه السلام» بر آن دلالت دارد.

در این که آیا لازم است دیدن شاهدان حتما باید در حالت نزدیکی کردن باشد همانند این که چوب سرمه را در سرمه دان فرو می کنند؟

ظاهر قول اصحاب همین مطلب است و شاید مستند آنان موثقه ابی بصیر باشد. اما احتمال این نحوه دیدن جدا بعید است، زیرا لازمه آن بسته شدن باب شهادت در این زمینه است. و عادتاً امکان تحقق در خارج وجود ندارد مگر به ندرت. و حال آن که در صدر اسلام کرارا شهادت بر زنا محقق شده بود.

پس مناسب این است که به صرف دیدن مقدمات و افعالی که ملازم با دخول مانند چوب در سرمه دان است اکتفا شود و موثقه نیز دلالت بر اعتبار دیدن نفس ایلاج ندارد، بلکه دلالت می کند بر این که شهادت بر زنا به نحو مطلق کفایت نمی کند بلکه باید به نحوی باشد که بر تحقق ایلاج مانند چوب در سرمه دان دلالت کند و نه این که حتماً آن وضعیت را ببیند.

کیفیت اقامه حد:

24- در حدّ رجم، مرد را تا محل بستن کمر بند و زن را تا سینه دفن می کنند:

الف- نظر مشهور فقها است.

ب- موثقه سماعه از امام صادق «علیه السلام» بر آن دلالت می کند. بعید نیست که مراد امام «علیه السلام» از وسط بدن، همان جایگه سینه باشد بر اساس قرینه ای که صحیحه ابی مریم از امام باقر «علیه السلام» نقل کرده است.

الثانی: اللواط

حد لواط کننده و لواط شونده اگر مکلف باشند، قتل است و قتل آن ها به یکی از طرق زیر است:

الف- آتش زدن او.

ب- غلطاندن او از بلندی با دست و پای بسته.

ج-زدن گردن او با شمشیر و سپس آتش زدن او.

د- رجم کردن او.

حدّ لواطی که با دخول صورت بگیرد همان مواردی است که ذکر شد ؛ اما اگر دخول صورت نگیرد و فقط تفخیز (قرار دادن آلت تناسلی مرد بین ران ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است) باشد ، صد ضربه شلاق دارد. مگر این که دو بار همراه با حد تکرار شود و در بار سوم کشته می شود . لواط با چهار بار اقرار و یا شهادت چهار مرد عادل ثابت می شود.

مستندات:

2- لواط زمانی ثابت می شود که انسان مکلف باشد. به دلیل حدیث رفع قلم احکام از صبی و مجنون.

البته صبی به خاطر عمل لواط تأدیب می شود به دلیل صحیحه ابی بصیر از امام صادق «علیه السلام». مراد امام «علیه السلام» در «ضرب الرجل» همان اجرا کردن حد شلاق است. در غیر این صورت فاعل و مفعول در اصل شلاق خوردن مشترک هستند و باید می گفت «ضرباً» و حال آن که برای مرد از این واژه استفاده شده است ، پس معلوم می شود ، مراد حد است برای مرد و تعزیر برای غلام.

روایت ابی بکر حضرمی نیز ، علی رغم ضعف سندش ، می تواند به عنوان مؤید حکم باشد.

الثالث: تفخیز

3- حکم تفخیز ، بدون این که نزدیکی صورت بگیرد صد ضربه شلاق است.

الف- قول مشهور.

ب- صحیحه حلبی از امام صادق «علیه السلام» که در آن اشاره شده «ان کان ثقب» از این فهمیده می شود ، که از مرد عملی غیر از نزدیکی یعنی تفخیز صورت گرفته است و الا صرف عریان بودن موجب حد نمی شود.

اگر روایت مذکور مطلق فرض شود ، ناچاریم آن را به تفخیز تقیید بزنیم ، چون میان فقها اتفاق نظر وجود دارد که صرف خوابیدن دو نفر با هم ، علت برای حد نیست.

در صحیحه حسین بن سعید آمده که حد تفخیز ، قتل است. اما نمی توان به این روایت اعتماد کرد ، چون نویسنده نامه مجهول است و ابن سعید نیز اگر چه گفته است او را می شناسد ، ممکن است شناخت شناسنامه ای مرادش بوده نه این که او را توثیق نموده

باشد. بر فرض این که بگوییم وی او را توثیق کرده است ، ممکن است به دلیل این که نام او را نمی دانیم ، رجالی دیگری او را تضعیف کرده باشد . علاوه بر این که ابن سعید ، جواب نامه دوم امام «علیه السلام» را نیز ندیده است.

الرابع : سَحَق

حد سحَق صد ضربه شلاق است. اگر تکرار شود همراه با اجرای دو بار حد ، در بار سوم کشته می شود.

سَحَق با شهادت چهار مرد عادل ثابت می شود.

1- در این که حد سحَق ، صد ضربه شلاق است :

الف- اختلافی وجود ندارد.

ب- صحیحه محمد بن ابی حمزه و هشام و حفص که همگی از امام صادق «علیه السلام» نقل کرده اند بر این حکم دلالت می کند.

مراد امام «علیه السلام» از حد سحَق همان حد زنا می باشد ، شلاق است. و لو با قرینه صحیحه زراره از امام باقر «علیه السلام» که می فرماید: زنی که مساحقه می کند شلاق می خورد.»

الخامس: قَذْف

قَذْف، یعنی نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری ، حدش هشتاد ضربه شلاق است.

قَذْف زمانی ثابت می شود که مقذوف عقیف و محصن (به معنای پاکدامن) باشد و الا اگر فردی را که معروف به بی آبرویی جنسی است قَذْف کند ، حد قَذْف بر قاذف جاری نمی شود بلکه فقط تعزیر می گردد.

- اگر قَذْف از قاذف دو بار به همراه اجرای حد تکرار شود در مرتبه سوم کشته می شود.

- کسی که به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» یا فاطمه زهرا «علها السلام» و یا به یکی از ائمه «علیهم الصلوه والسلام» دشنام دهد ، بر شنونده واجب است که او را به قتل برساند؛ البته اگر از ضرر جانی در امان باشد.

- قَذْف با شهادت دو عادل و یا با اقرار کردن یک مرتبه ثابت می شود.

ششم: خوردن مسکر (مست کننده)

حد کسی که خمر و یا سایر مسکرات را بنوشد ، هشتاد ضربه شلاق است.

-اگر نوشنده مرد باشد لبلشش را از تنش خارج نموده و بین دو کتف او را شلاق می زنند.

-اگر زن باشد ، از روی لباس حد بر او جاری می شود.

-کسی که دو بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود.

مستندات:

حد شرب خمر هشتاد ضربه شلاق است.

الف- اجماعی است.

ب- روایات زیاد، از جمله صحیحه بُرید بن معاویه از امام صادق «علیه السلام»

حدّ مذکور شامل تمامی مسکرات نیز خواهد بود به دلیل صحیحه گنّانی از امام صادق «علیه السلام»

هفتم: سرقت

حد دزدی قطع چهار انگشت دست راست است بدون این که انگشت شست و کف دست قطع شود و اگر دزدی او تکرار شود پای چپ او نیز از وسط قطع می شود و اگر برای بار سوم تکرار شود تا ابد در زندان می ماند تا بمیرد و اگر در حال حبس نیز دزدی کرد کشته می شود.

حد سرقت جاری نمی شود مگر این که مسروقه :

الف- به مقدار یک چهارم مثقال طلا برسد. (مشهور)

ب- به مقدار یک پنجم مثقال طلا برسد.

و شرط است که مسروقه از مکان حفاظت شده سرقت شود و برای ورود به آن جا به کسی اذن داده نمی شود.

مستندات:

1- حد سرقت همانی است که ذکر شد:

الف- اجماعی است.

ب- روایت سماعة بن مهران؛ اگر چه این روایت از طریق شیخ کلینی مقطوع است ولی طبق طریق شیخ طوسی تا امام علی «علیه السلام» مسند بوده و می توان به سند آن مراجعه کرد.

همچنین اگر روایت مذکور از جهت مقداری که باید قطع شود مجمل باشد می توان برای رفع اجمال به موثقه اسحاق بن عمار مراجعه کرد.

2- اعتبار این که مال مسروقه باید به اندازه یک چهارم مثقال طلا باشد :

الف- نظر مشهور است.

ب- صحیح محمد بن مسلم از امام صادق «علیه السلام».

روایات دیگری نیز وجود دارد که برای تحقق حکم قطع دست ، مقداری کمتر از این را بیان کردند ف مانند صحیح محمد بن مسلم از امام باقر «علیه السلام» که یک پنجم دینار است.

گاهی گفته می شود روایت دوم به دلیل موافقت با قرآن کریم مقدم بر روایت اول است. زیرا مقتضای اطلاق آیه شریفه قطع دست دزد به صورت مطلق است و کمتر از یک پنجم به واسطه روایت از اطلاق آیه خارج می شود و نسبت به بیشتر از یک پنجم به خاطر غیر معلوم بودن حکم آن به اطلاق آیه مراجعه می شود و اطلاق آیه حجت است. لذا آیه شریفه مرجح روایت دوم است.

3- اموال باید در مکانی باشد که از آن جا محافظت شده و اذن دخول کسی به آن جا وجود نداشته باشد:

الف- اجماعی است.

ب- موثقه سکونی از امام صادق «علیه السلام» و موثقه دیگری.

هشتم: محاربه و افساد

محارب ، کسی است که اسلحه خود را برای ترساندن مردم و انجام دادن فساد نمایان کند ، و حد وی:

الف- کشته می شود.

ب- یا اعدام می شود.

ج- یا این که دست راست و پای چپ او قطع می شود.

د- و یا از شهر تبعید می شود.

مستندات:

1- حد محارب همان چیزی است که ذکر شد.

دلالت صریح آیه شریفه: مائده/33

در میان فقها اختلاف نظر است که آیا برای ولی امر ف صدور حکم چهار گانه مذکور به صورت تخییری ثابت است یا طبق اختلاف مقدار جرم ، به صورت ترتیب ثابت می شود؟

اگر از سایر ادله چشم پوشی کرده و برای دلالت فقط آیه شریفه را داشته باشیم این قول را ثابت می کند که امام «علیه السلام» در این مورد مخیر است به خصوص اگر صحیحه حریز از امام صادق «علیه السلام» را مورد ملاحظه قرار دهیم که می فرماید: هر چیزی که در قرآن وجود دارد و یا صاحب آن فعلی مختار است ، هر چیزی را که بخواهد می تواند انتخاب نماید.

البته روایاتی در مقابل این قول وجود دارد که از آن ها ترتیب این مجازات ها استفاده می شود ، نظر فقها به خاطر اختلاف روایات مختلف است.

تعزیر:

هر کسی که بدون هیچ عذری مخالف شریعت عمل نماید و فعل حرامی را انجام دهد و یا فعل واجبی را ترک نماید و مقدار مجازات آن مشخص نشده باشد ، حاکم شرع او را طبق مصلحت مجازات می کند در برخی روایات حد تعزیر کمتر از چهل ضربه شلاق آمده است.

مستندات:

دلیل اول:

حفظ نظام اسلامی لازم است و دین نسبت به آن تلاش کرده است و این جز به تعزیر در حق شخص مخالف ، محقق نمی شود ، بعلاوه این که احتمال نمی دهیم همه مردم متکفل اجرای تعزیر باشند ، زیرا منجر به اختلال می شود، پس به قدر متیقن که حاکم شرع باشد مراجعه می کنیم.

مؤیدات:

الف- فعل امام علی «علیه السلام» نسبت به اجرای تعزیر در بازار.

ب-روایات خاصی که در موارد متفرقه نقل شده اند، مانند صحیحہ ابی عباس از امام صادق «علیه السلام» و موثقه اسحاق بن عمار .

دلیل دوم:

صحیحہ حماد بن عثمان از امام صادق «علیه السلام»، سند این روایت اگر چه از طریق کلینی دارای اشکال است اما از طریق شیخ صدوق بدون اشکال است.

اقامه حدود در عصر غیبت .

برای حاکم شرع جایز است که در زمان غیبت حدود را اجرا نماید. دلیل این امر دو چیز است.

دلیل اول:

حکمتی است که برای تشریح و اجرای حدود وجود دارد ، همان ایستادگی در برابر فساد و ظلم که مختص به زمان حضور امام «علیه السلام» نیست.

دلیل دوم:

تمسک کردن به اطلاق ادله ای است که می گویند واجب است حدود اجرا شود مانند آیات شریفه: نور/24 و مائده/38.

چون مقتضای وجوب اجرا کردن حدود مطلق است و شامل تمام زمان ها می شود و چون احتمال نمی دهیم که شامل همه مردم شود ، زیرا منجر به اختلال نظام می شود ف لذا گروهی از مردم باید این کار را انجام دهند و قدر متیقن مجتهدان عادل هستند.

روایت اسحاق بن عمار این مطلب را تأیید می کند. اگر چه اسحاق در کتب رجال برایش توثیقی نقل نشده است؛ اما می توان به این روایت در حد تأیید تمسک کرد.

اگر گفته شود :

تمسک به دو دلیل مذکور زمانی تمام است که دلیلی بر اجرا کردن حدود در زمان امام «علیه السلام» نباشد ؛ اما دلیل وجود دارد که اجرا کردن حدود مختص زمان

امام «علیه السلام» است و آن روایت دعائم الاسلام از امام صادق «علیه السلام» است. و نزدیک به همین معنا روایت جعفریات است.

در جواب می گوئیم:

الف- لازم است روایت مذکور را حمل کنیم بر این که در زمان امام معصوم «علیه السلام» نباید بدون اذن امام «علیه السلام» حدود اجرا شود. و احتمال نمی دهیم در زمان غیبت امام، برای غیر امام جایز نباشد غ زیرا سبب اختلال نظام می شود.

ب- البته این استدلال با چشم پوشی از سند دعائم الاسلام است و الا اشکال آن روشن است ، چون روایات دعائم مرسل هستند و سندی برای آن ها ذکر نشده است. به دلیل تقیه.